



در مطب صحنه ورد اردوی فرانسویها برای استراحت افراد .

مطاب. صحنه ۱۹۱۶

قرار نگرفته است . پس ، در ساعت ۵ و ۴۵ ، قبل از حرکت خود ، پیامی فرمانده ساحل فرانسوی «وردن» میفرستد ، باین مضمون که : «جبهه شمالی «وردن» ، بین «دوومون» ( Douaumont ) و «موز» و جبهه شرقی بایستی بهر قیمتی که تمام شود با کلیه وسائلیکه در اختیار شماست حفاظت و نگاهداری شود . دفاع «موز» از ساحل سمت راست بعمل خواهد آمد . موضوع گرفتن جلوی دشمن در ساحل مزبور ، آن هم بهر قیمتی که تمام شود ، مسئله ایست حیاتی که نمیتوان بدان توجه نداشت .

سپس ژنرال مزبور ، در «سوی تی» ( Souilly ) بقرارگاه ساحل فرانسوی «وردن» ( R.F.V. ) میرسد . بمحض رسیدن بآنجا ، بر حسب اختیاراتی که بوی محول گردیده است ، فرماندهی هر دو ساحل «موز» را به ژنرال پتن انتقال میدهد ، و فرمانده ساحل فرانسوی «وردن» را «جبهه دادن اطلاعات» در اختیار او میگذارد . فرمانده کل فرانسوی این تصمیم را فی الفور تصویب مینماید . ولی وضعیت بوخامت خود باقی میماند : یک لشکر در صبح ۲۵ کت دو تالو ( Côte du Talou ) و قسمتی از کت دو پواور ( Côte du Poivre ) را رها میسازد ؛ عصر همان روز ، استحکامات دوومون ( Douaumont ) ، خلع سلاح و تهنی گشته ، بوسیله آلمانها اشغال میگردد . ولی قوای امدادی به کمک میرسند . سپاه ۲۰ ، بی خبر از همه جا ، سدی نازک ولی محکم تشکیل میدهد . از طرفی نیز آلمانها نفسی تازه میکنند . کلیه عده های تازه نفس آنها در گیر و داخل کارزار شده اند ، و در مقابل این «دروازه» ایکه تا کهان گشوده شده است ، مردد میگردند ، و همین خودداری دشمن فرانسویها را نجات میدهد . عصر ۲۶ ، ژنرال دو کانتلو مینویسد : «موقعیت هنوز باندازه کفایت روشن نشده است ، تا اینکه ژنرال پتن ( Pétin ) و من بتوانیم رأی صائبی بیان کنیم . باز عقیده من براین است که اگر دو سه روز مجال پیدا کنیم ، برای اینکه فرمانده ارتش ۲ به ترمیم و اصلاح کلیه عناصر کار و اعمال اقتدار خود موفق گردد ، خطر از دست دادن «وردن» بطور قطع بر طرف گردیده است .»

فی الواقع نیز ، روز ۲۷ ، در موقعی که دیگر بار دشمن حملات را شروع نمود ، فرماندهی قطعات بوضع روشنی تقسیم شده ، ارتباط برقرار گشته ، کلیه عناصر استحکام ، پشتیبانی و حفاظت پهلوها از ساحلی تا ساحل دیگر بوجود آمده بود . بالتبجه پیشرفت‌های جزئی ولی اهمیتی ضعیف آلمانها برگردد ، ولی این موفقیت‌های کوچک برای آنها گران تمام میشود : در ۸ مارس ، بحمله بزرگی از «موزه» تا «وور» ( Wœvre ) با قوای تازه نفسی مبادرت مینماید ولی موفق نمیشوند . در ۱۱ مارس ، فرمانده کل نیروی فرانسه در طی حکم عمومی معروفی نتیجه برد نخستین را اعلام داشته و بدین مناسبت بیان مینماید : «شما کسانی خواهید بود که بعدها درباره شما خواهند گفت که راه «وردن» را بروی آلمانها مسدود نموده اید» .

بدین طریق ، مرحله نخست خاتمه یافت .

### بحران دوم

نبرد محتملات خود را تغییر میدهد : در طول مدت این نبرد ، که ۴ ماه دوام یافت ، با اینکه گاه گاه کم و بیش از شدت کارزار کاسته میشود ، ولی خون ریزی مدهشی ، بوسع یکسواحت و مجوهی کماکان پایدار بوده است . فرماندهی آلمان بدون توجه به تسخیر اراضی در صدد برمیآید نیروی فراسه را به تحویل ببرد ، از آغاز ماه مارس حمله خود را در ساحل سمت چپ توسعه داده و با جدیت خستگی ناپذیری سرتهائی متناوباً به هر دو جبهه وارد میسازد . ولی آلمانها در تحلیل قوای حریف ، قوای خود را نیز به تحلیل می برند . از ۲۷ فوریه تا یکم ماه مه ، آلمان ۱۰ لشکر جدید بجبهه اعزام میدارد ، و تا ۱۵ ژوئن شماره لشکرهای اعزامی به ۴۵ بالغ میگردد ، و حال آنکه ژنرال فانکن هاین تشبص داده بود که برای تحصیل موفقیت قطعی در قبال ارتشهای انگلیس اعزام ۳۰ لشکر کفایت خواهد نمود . اینک تا امروز قوای اعزامی آلمان از حدود یکه ژنرال مزبور پیش بینی کرده بود تجاوز مینمود .

ولی فرماندهی کل نیروی فرانسه سعی میکند در استعمال قوای احتیاطی خود کمال



استحكامات دومین (Douaumont) قتل در سارار



استحكامات «دومین» پس از سارار از طرف آلمانها  
(مقابل صفحه ۵۱۸)

صرفه جوئی را رعایت نماید . از این روی لشکرهای پیاده نظام را ، قبل از اینکه بکلی تحلیل بروند ، تعویض مینماید ؛ ولی در نتیجه مصارف خیلی زیادی مجبور میشود در مقابل ژنرال پتن ، سکه بنا و در ماه مه فرماندهی گروه ارتشهای مرکزی را عهده دار گردد (۱) از دادن قوای احتیاط خود داری مینماید . در این تاریخ ، وضعیت کم و خات او ایستادگی را کسب مینماید . توپخانه آلمان هر گونه هدفی را در عمق شکست ، نهد و مهد میسازد . قوای فرانسویها خیلی زودتر از قوای حریف به تحلیل میروند . چنانکه فرماندهی ارتش ۲ یز ، در طی نامه ۷ مه ، خطاب فرماندهی کل نیروی فرانسه ، نگرای خود را باین مضمون بیان می نماید : « برای اینکه آنها هم ( انگلیسها ) در عملیات شرکت جویند ، دیگر اندک مجالی هم باقی نمانده است که بتوانم از دست دهیم » .

ولی تا این وصف ، هر قدر هم آلمانها به فشار خود میافزایند ، فرمانده کل نیروی فرانسه سعی میکند که کم گروه ارتشهای مرکزی را تا کماتهای محدود بیکه فقط از نقل و انتقال قوای احتیاطی دست میآید قانع سازد . روبرو عقیده او بر این بود که ابتکار عملیات را در زمین دیگری غیر از زمینی که دشمن جهت تحمیل ابتکار خود انتخاب کرده است اعمال نماید . ولی مسئله تحلیل قوا بجائی میرسد که ۳ روز بعد ۳ روز مصرف ، لشکر پیاده خط را ایجاب میکند . در مدت ۵ ماه ۶۶ لشکر در حقیقت « خوردن » مصرف رسد ، و اینک آلمانها به آخرین سیکه از شهر

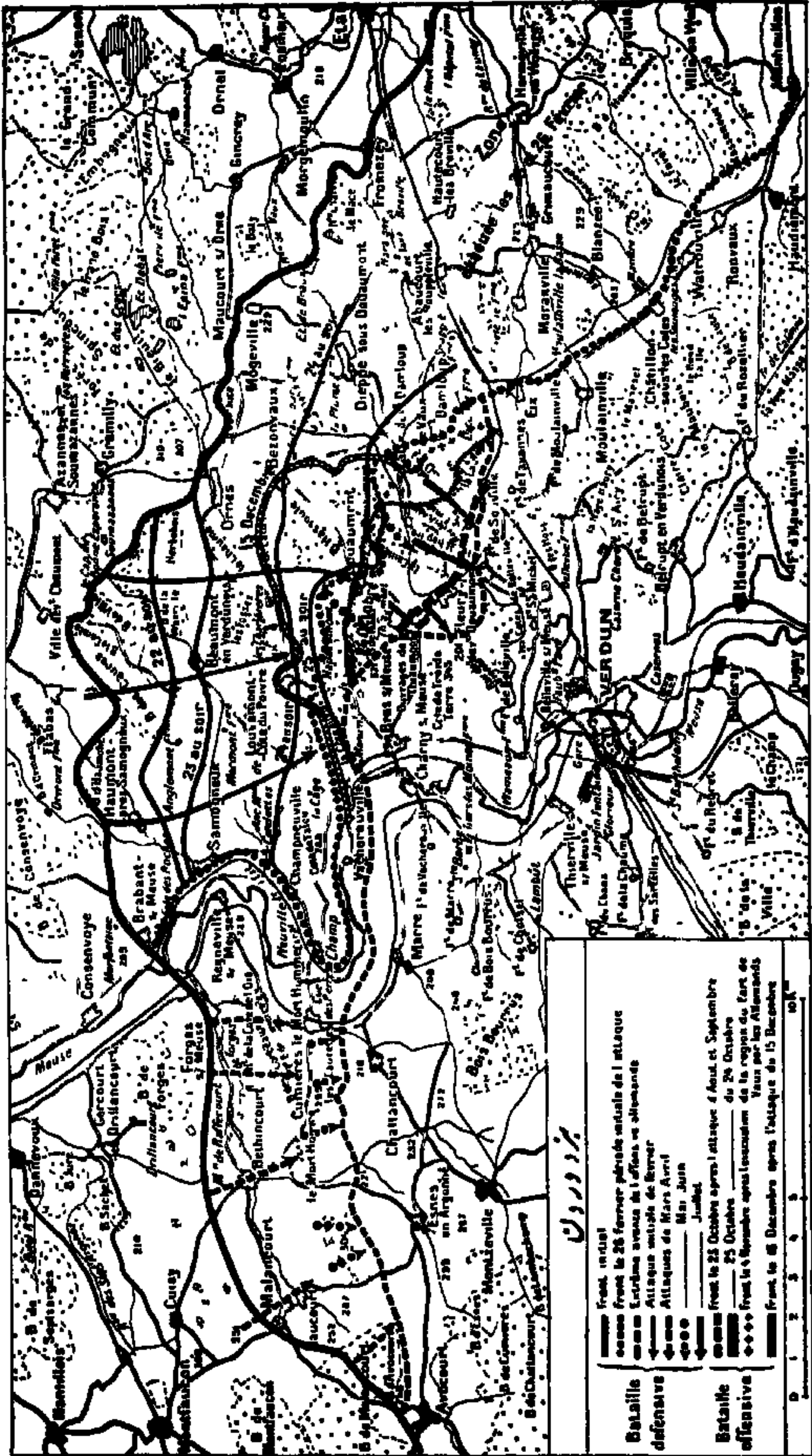
دوایع میگذرد ( سوویل - اوآن (F<sup>1</sup> de Souville - Tavannes) ، دیک شده اند . در ۱۱ ژوئن ، فرمانده گروه ارتشهای مرکزی مینویسد : « از اجازت توپخانه ، مبارزه ما نسبت ۱ در مقابل ۲ است . مسئله تحلیل سنگر و فرار از موضع بدفعات روی داده و در دفعات دیگری هم روی خواهد داد . دیگر زمینی نداریم که از دست دهیم . خوردن ، در همه حال ، در همه حال ، ارکداشت ۱۰۰۰ نفر - توقط شده . علاوه بر آن ساحل - متراست (R.I.) ، در پیش پای میگذرد و از این

( ۱ ) - در ۱ مه ژنرال بول ( Nivelles ) فرماندهی ارتش ۲ ، و در ۲ مه ژنرال پتن فرماندهی گروه ارتشهای مرکزی را بر عهده میگیرند .

روی پیشنهاد مینماید مقدمات نخبیه آن فراهم گردد ، تا اینکه کلیه ملزومات ( اسلحه ، مهمات و غیره ) در این محل نموده و از دست داده اشود .  
در ۲۲ ژوئن ، آلمانها تلاش‌هایی خود را اعمال کرده ناخندقی های سوویل ، (F' de Souville) بردیک میشوند ، و در ۲۳ ژوئن ، ساعت ۱۵ ، ژنرال پتن تلگرافی مخبره مینماید ، دایر بر اینکه ترك ساحل سمت راست را یدن بینی کرده است .  
ژنرال پتن بر رسیدن در محل ، موفق میگردد توافق ژنرال نیول ( Nivelles ) وضعیت را ترسیم نماید . وزیر جنگ فراسه یدر در همان تاریخ در موفع مراجع از «وردن» ، مسئولیت فرماده کل بیروی فراسه را کتباً خاطر نشان کرده و او مینویسد که ، در صورت سقوط وردن «مسئولیت تأخیری که در اقدام به تعرض روی داده است ، بحود او ، بوجه خواهد شد .

فرماده کل بیروی فراسه ، با وجود وخامت اوضاع ، و با وجود نغمه های قاق و اضطرابی که از هر سمت نامد میشد ، آبی هم از نقشه بدوی که طرح ریزی کرده بوده ، صرف میشود . نازحات زیادی ، از لشکرها و ملزومات سرفه جوئی میکند . اگر هم انگلیسها را مدام در ایفای وعده ترعب مینماید ، هرگز بآنها تکلیف نمیکند که ساعت گذار را جاو بیاورند . در روزهای آخری ، نظریات او صائب بر گشته و فرمادهی را بوجه احسن اعمال مینماید . به کایه قوا امر داده بود از هر چیزی گذشت نماید ، ولی در این حال مقاومت کند . چنانکه در طی حکمی ، خطاب به ژنرال پتن ، دستورات صادره را تأیید میکند . باین مضمون : «من اینطور اشخص میدهم که باید در ساحل سمت راست «موز» ، بایدار نمایم ، حتی اگر هم مقاومت ما باین قیمت تمام شود که کلیه وسائل خود را جا بگذاریم . . . .» بدین طریق فرماده کل بیروی فراسه فداکاری کرده و از فداکاری خود نتیجه نمیکرد . در ۲۴ ، بر های تهیه ای نوبخانه در «سوم» (Somme) شروع میگردد ، نقشه ای که در شورا های متفقین سنجیده و تدقیق شده بود ، اینک با فعالیت نامی داخل مرحله عمل میگردد . «برد وردن» ، با آن هول و هراس و قلق و اضطراب ، اینک خانمه مییابد





## Verdun

<b>Bataille défensive</b>	<p>Front initial</p> <p>Front le 26 février période initiale de l'attaque</p> <p>Extrême avancée de l'offensive allemande</p> <p>Attaque initiale de Serber</p> <p>Attaques de Mars Avril</p> <p>    — Mai Juin</p> <p>    — Juillet</p>
<b>Bataille offensive</b>	<p>Front le 25 Octobre après l'attaque 4 Août et Septembre</p> <p>    — 25 Octobre du 24 Octobre</p> <p>Front le 4 Novembre après l'occupation de la région du fort de Vaux par les Allemands</p> <p>Front le 15 Décembre après l'attaque du 15 Décembre</p>



در جبهه ارتش ۲ فرانسه، در مدت ۱۱۶ روز، ۶۶ لشکر بمصرف رسیده است، نوبخانه این ارتش (مرکب از ۱۱۰۰ توپ ۷۵ و ۹۰۰ توپ سنگین) ۱۰ میلیون تیر ۷۵ و ۴ میلیون تیر کالیبر بزرگ تیراندازی کرده است. از قوای آلمان، ۴۵ لشکر بمصرف رسید. نبرد «وردن»، نبرد مدهش و بی نظیری بود که در تمام مراحل بدون تهرک، وای با شدت مخوفی اجراء گردید، این نبرد فرانسه را فسزبان فرسودگی و خستگی انداخته و پشت آلمان را بظاک افکند، و دنیا را بیزمات و مبهوت ساخت. در این نبرد تحلیل برنده قوا، که بعد موفقیّت آلمان منتهی گشت، آلمانها نتوانستند موجبات درگیری فرانسویهارا فراهم ساخته و بدین طریق ارتش فرانسه را از شرکت در تعرضی که طرح ریزی شده بود بازدارند.

### صحنه شرق

تعرض روسها در ناحیه «دوینسک» و دریاچه «نارچ» (نقشه شماره ۲۷) روسها در ماه ژانویه ۱۹۱۶ در جبهه اروپائی خود مشغول تنبقات و خود آرائی قوا بوده و خود را برای تعرض عمومی و مشترک با نیروی فرانسه و انگلیس آماده میکردند چه در کنفرانس «شانتیلی» تصمیم گرفته شده بود که در جبهه فرانسه روز اول ژوئیه و در جبهه روس روز ۱۵ ژوئن به تعرض مبادرت گردد. روز ۲ فوریه قرارگاه کل روس جلسه شورای عالی از فرماندهان جبهه های خود برای تدوین نقشه عملیات تعرض تشکیل داد.

مقارن این اوقات حماه آلمانها به «وردن» شروع شد لذا ضرورت داشت که ارتش روس نیز برای مساعدت به فرانسه بطوریکه در کنفرانس «شانتیلی» قرار شده بود، شروع به تعرض نماید.

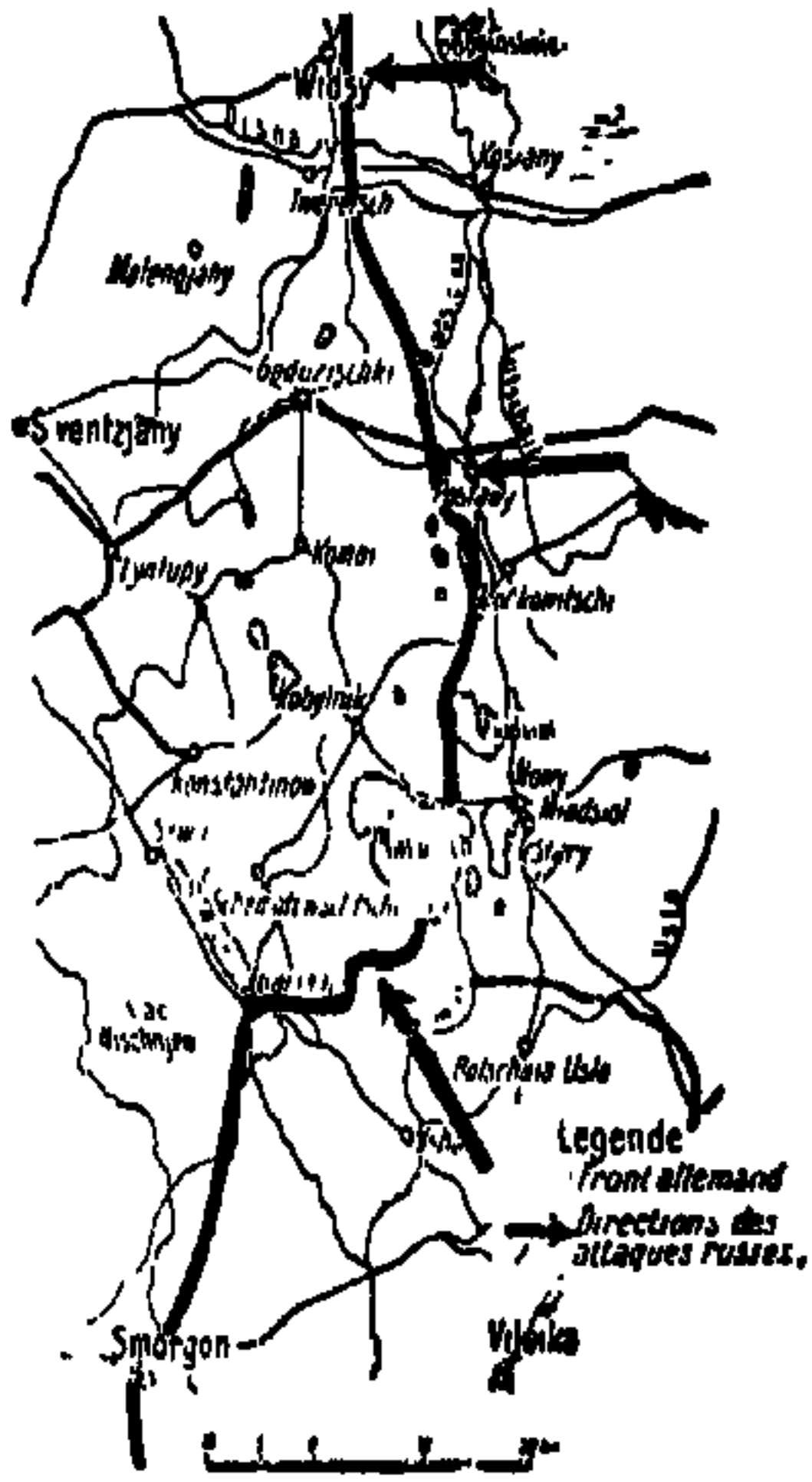
با وجود آنکه فصل سال اجرائی عملیات تعرضی را در روسیه غیرهنگام و در مساخت فرماندهی کل روس تصمیم گرفت که بعملیات وسیع تعرضی پردازد، تا قسمتی از قوای آلمان را از جبهه فرانسه بسمت خود جلب کند و در صورت کامیابی در بسط



تعرض مزبورنا حدی که قوای آلمان را به پشت سرحد روسیه عقب بنشانند اقدام کنند .  
روسها تصمیم گرفتند که عملیات تعرضی را بوسیله جناح چپ جبهه شمال و  
جناح راست جبهه غرب خود در ناحیه «دوینسک - دریاچه ناروچ - دریاچه ویشنو»  
( Vichnevo ) اجرا کرده و پس از اتمام تقسیم بندی قوا ( که در ۱۸ یا ۲۰  
مارس خانمه مییافت ) بلا درنگ شروع به تعرض نمایند . و نیز قرار بود که  
تعرض فوق بوسیله عملیات فرعی از طرف « یاگشتاد » بظرف پاوژ (Panévėj)  
و از طرف (اسمرگن Smorgon ) بظرف «ویانا» (Wilna) بشنیایی گردد .  
در صورت گامیابی در تعرض از خط «دوینسک - دریاچه ناروچ» بسمت  
«گوبو» به فقط جبهه آلمان شکافته میشد . بلکه ارتباط گروه ویلنای آلمان با  
«گوبو» و معابر رود «مان» قطع میگردد .

گرچه در آغاز عملیات در جبهه های شمال و غرب روس قوای بیرومندی  
مجموع گردید و یک قسمت آن قوا از جبهه جنوب غرب گرفته شده بود وای در  
عملیات ماه مارس از قوای جبهه شمال قریب ۴ سپاه و از جبهه غرب قریب ۸ سپاه  
شرکت کردند .

بقیه آن قوا یک قسمت مشغول تبدیل اسلحه خود به تفنگ زاپونی بودند و  
قسمتی در احتیاط قرار گرفته بودند که در صورت پیشرفت تعرض اقدام بتوسعه  
آن کنند ، و قسمت بیشتری فرمات غیرتامل جبهه وسیع روس را اشغال کرده بودند .  
تعمین میران حقیقی قوای آلمان نا حدی مشکل است چه «موزر» قوای  
آلمان را در جبهه روس بالغ در بیم میلیون محسوب میدارد ؛ فالکن هاین - ۶۰۰  
هزار ؛ لودندرف اقرار میکند که در مدت تمام عملیات قوای امدادی با کمال  
عجله اعزاء میگردد ؛ اسراندز موقع محاربات قوای آلمان را در حبه کوتاه  
بین دریاچه «در سوپاتی» و دریاچه «ویشنو» بالغ در ۱۲ لشکر پیاده و ۴ لشکر  
سوار نظام اظهار میگردد یعنی در حدود ۶ سپاه . در هر صورت اینطور نتیجه  
گرفته میشود که روسها فوق عددی نسبت بدشمن داشتند . ولی از حیث توپخانه



شماره دریاچه و تاریخ در مارس ۱۹۱۷

(۱۰۰۰ متر ۰۲۰)

### سنگین نطق با آلمانها بود

ضربت اصلی را ارتش ۲ روس بوسیله دو گروه وارد بساخت: يك گروه مرکب از ۵ سپاه در طرفین راه آهن «پستاوی - اسونسیانی» و گروه دیگر مرکب از سه سپاه بین دریاچه های «نارچ و ویشنو» . در سمت راست از طرف «ویدزی» سپاه ۱۴ ارتش ۱، در سمت راست «دوینسک و یا کوبشتاد» قسمتهای ارتش ۵ به عملیات میپرداختند.

حمله در ارتش ۲ و ۱ روس ۱۸ مارس و در ارتش ۵ روز ۲۱ مارس شروع شد در صورتیکه تمرکز قوا تا آن تاریخ هنوز خانه نیافته و توپخانه هم بوجهه نرسیده بود. تعرض مزبور هنگام سیلهای بهاری از طرف سپاهها بطور متفرق و جداگانه انجام میشد بدون وجود ارتباط بین آنها، موقعیکه يك سپاه حمله مینمود سپاه دیگر در صدد تهیه توپخانه و یا مشغول آرایش زمین بود لذا همانطور که انتظار میرفت اجرای عملیات به این صورت نتیجه ای نداد با وجودی که، بنا به اظهار لودندرف، ارتشهای روس کمال مقاومت و سماجت را در محاربات ابراز داشتند. در سمتهای «یا کوبشتاد» و «دوینسک» حملات روسها هیچگونه موفقیتی حاصل نکرد، در سمتهای «ویدزی» و «نارچ» ارتشهای روس موفقیتهای محدودی داشتند، و روز ۳۰ مارس امر بتوقف تعرض صادر گردید، در صورتیکه هیچگونه استفاده ای از قوای مجتمع احتیاط، در اثر سیلهائی که مانع حرکت بود، بعمل نیامد. از تعرض روسها در ماه مارس در ناحیه «دوینسک» و «ویلنا» انتظار نمیرفت که نتایج مهمی عاید آنها شود؛ چه سیلهای بهاری کاملاً مانع پیشرفت آن بود. لذا تصور نمیرود که فرماندهی روس عملیات مزبور را برای راندن آلمانها به پشت سرحد روسیه در نظر گرفته بود بلکه منظور اصلی او کمک بفرانسه بود. لودندرف اقرار میکند که وضعیت آلمانها هنگام حمله روسها خطرناک شده بود و حملات آنها را بزحمت دفع میکردند. از عملیات ماه مارس نتایج ذیل گرفته شد:

آلمانها متوجه شدند اینکه انتظار ضعف نیروی روس را داشتند بخطا رفته‌اند لذا موضوع تقلیل قوای خود را در جبهه روس عملی نکردند و برعکس فرماندهی آلمان قوای خود را که تا آن موقع جبهه اطریش را تقویت میکرد بطرف شمال «پلسیه» حرکت داد.

آلمانها متوجه وضع خطرناک خود در سمت مهم «کونو» شده و بالاخره مجبور به تقویت ارتش خود در آن حدود گردیدند، این موضوع تعرض روسها را در آن ناحیه، که از لحاظ استراتژی برای آنها مفید بود، مشکل بساخت. عدم موفقیت جدید روسها در تعرض سمت جبهه آلمان نسبت بروحیه فرماندهی روس بلا تأثیر نماند و بطوریکه بعداً خواهیم دید نسبت به تعرض تابستانی آنها نیز مؤثر واقع شد.

از طرف روسها کماکان همان طرز تعرضی بوسیله سپاههای جداگانه بدون هیچگونه هدایتی از طرف فرماندهی ارتش مشهود میگردد. خلاصه، عملیات ماه مارس روسها فقط بنفع فرانسویها و آلمانها تمام شد.

### جبهه ایتالیا

ایطالیاییها هم برای کمک بفرانسویها در ماه مارس پنجمین حمله خود را به ایزونوسو (Isonzo) اجرا نمودند ولی از آن حمله نتایج مثبتی نگرفتند.



### صحنه آسیا

جبهه قفقاز نقشه ها و مواضع طرفین (نقشه شماره ۲۲)

در آخر سال ۱۹۱۵ عثمانیها يك قسمت از قوای خود را از سمت قفقاز بطرف جنوب بسمت بغداد برای عملیات بر ضد انگلیسها اعزام داشتند.

در عین حال فرماندهی روس را جمع به اعزام سپاههای عثمانی بجهه قفقاز که پس از عملیات «داردانل» آزاد شده بودند اطلاعات صحیحی داشت. عثمانیها در نظر داشتند مرحله زمستان را مورد استفاده قرار دهند که عملیات شدیدی بر ضد انگلیسها اجرا نمایند، و در بهار هم تمام قوای خود را بسمت ارتش قفقاز روس متوجه سازند،

اینک عثمانیها مطمئن بودند که در آن فصل زمستان روسها بمناسبت راه‌های غیر قابل عبور کوهستانی که بوسیله برف زیاد مسدود شده بود قادر به تعرض نخواهند بود. بدین طریق، ارتش ضعیف روس در قفقاز که نمیتوانست انتظار کمک داشته باشد مجبور به استقامت در مقابل ارتشهای اعزامی عثمانی از اسلامبول و بغداد میگردد. لذا برای روسها یگانه چاره‌ای که باقی میماند استفاده از ضعف موقتی عثمانیها در این جبهه بود تا در مدت زمستان شکستی به آنها وارد سازند.

لذا فرماندهی روس در پایان سال ۱۹۱۵ مأموریت جبهه قفقاز را بطریق ذیل مقرر داشت: بقوای عثمانی در سمت «کبری کوی» ضربت کوتاهی وارد سازد بدون آنکه جبهه را بجلو حرکت دهد.

ولی بواسطه موفقیتی که نخست روسها در قبال عثمانیها حاصل کردند مأموریت محدود نخستین آنها بسط یافته و اهمیت درجه اول را جانشین گردید و وضعیت طرفین را در ارمنستان بکلی تغییر داد.

در تمام صحنه ارمنستان نقاط ذیل: «ارضروم»، طرابوزان و بطلیس، برای عثمانیها اهمیت زیادی را دارا بود:

قلعه ارضروم، که در فاصله قریب ۱۰۰ کیلومتری سرحد روس واقع بود مرکز تلاقی تمام جاده‌های سمت «التی»، قارص و دره آلشکرده، بسمت جنوب و غرب بشمار می‌آمد و از اینرو اهمیت استراتژی آن مسام بود. بعلاوه قلعه مزبور میدان وسیعی برای تجمع قوا جهت عملیات عامل بوده و در صورت عملیات عثمانیها در ماوراء قفقاز برای آنها بمنزله تکیه گاه بود. در مشرق «ارضروم» پس از سر از بردن بجنگه ارضروم، که یگانه جنگه مساعدی برای عملیات قوای مهاجم از شرق بود، موضع مستحکم «دوینو» (Deveboïnou) وجود داشت که پهلوهایش بوسیله کوههای عظیم پوشیده شده بود و معا بر طرف دره را بکلی مسدود میساخت. با موقعیتی که قلعه «ارضروم» داشت، محاصره قلعه مزبور و یا اجرای حرکت دورانی نسبت بآن بدون داشتن قوا امکان پذیر نبود. «طرابوزان» (Trébizonde)، قلعه کنار دریا بوده و برای عملیات در دریای سیاه و ساحل آن بمنزله تکیه گاه بود.

«بطلیس» ، در مغرب دریاچه «وان» ، مبدأ حرکت و تکیه گاه عثمانیها را برای عملیات نرضی آنها در آذربایجان تشکیل میداد. اهمیت «بطلیس» خیلی زیاد بود ، چون مرکز راههایی بود که بسمت موصل و بغداد امتداد داشت و نقل و انتقال قوای عثمانی را از يك جبهه بجهت دیگر تسهیل میکرد .

اراضی بین مواضع ارتش قفقاز روس و هدفهای نامبرده شده در بالا کوهستانی و صعب العبور بود ، و راههای مختصر که در آنجا وجود داشت عبارت از کوره راههای کوهستانی بود ، بدیهی است که قسمتهای قوای روس تا رسیدن به جاگه «ارض روم» برای عملیات مشترک نمیتوانستند هیچگونه ارتباطی بین خود برقرار نمایند . عملیات روسها در سمتهای «کناردریا» ، «الئی» ، «صاری قامیش» و «ایروان» بطور جداگانه از یکدیگر انجام میگرفت ، فقط در سمت «صاری قامیش» جاده های نسبتاً بهتری وجود داشت ولی در این حدود موضع مستحکم «کبری کوی» از آن جاده ها جلو گیری مینمود .

قوای روسها و عثمانیها در آغاز عملیات تقریباً مساوی بود .

( ارتش روس : ۱۲۶ گردان ، ارتش ۳ عثمانی : ۱۲۲ گردان بود ) .

ولی روسها از حیث توپخانه و سوار نسبت به عثمانیها برتری داشتند . در عملیات جنگی از طرف روسها ۷۶ هزار نفر ، با سوار نظام بیرومند و از طرف عثمانیها شصت هزار نفر شرکت کرده .

تمرکز قوای طرفین از اینقرار بود :

در سمت کناردریا : تقریباً از «آرخاوه» تا رود «چرخ» ، ۱۰ گردان روس با ۳۲ توپ برابر ۱۴ گردان عثمانی با ۱۰ توپ .

در سمت «الئی» : از رود «چرخ» تا قریه «شکرله» . سپاه ۳ ترکستان روس ، ۳۲ گردان پیاده ، ۷ قسمت پاسبان ، ۲۱ اسواران روس با ۷۵ توپ ، بر ضد ۴۴ گردان ، ۵ اسواران عثمانی با ۴۲ توپ .

در سمت «صاری قامیش» : از «شکرله» تا «کس آفاسی» ، سپاه ۱ قفقاز ، ۳۲ گردان ، ۱۵ اسواران روس با ۸۲ توپ ، برابر ۵ گردان ، ۵ اسواران عثمانی با ۴۶ توپ .



در سمت «ایروان» : درجهٔ از «کس آقاسی» تا «آرجین» سپاه و قفقاز ،  
۱۲ گردان پیاده ، ۷ قسمت پاسبان ، ۲۱ اسواران روس ، با ۴۷ توپ ،  
برابر ۱۴ گردان ، ۳۰ اسواران عثمانی با ۱۲ توپ ، ( درجهٔ «کس آقاسی» تا  
عادل جواز ) .

بین دریاچه «وان» و «رضائیه» : قسمت های مختصر روس و عثمانی  
استقرار داشتند .

در احتیاط : روسها دارای ۳۲ گردان ، ۳۴ اسواران و ۸۴ توپ در نزدیکی  
«صاری قامیش» بودند و عثمانیها ۹ گردان و ۱۲ توپ در نزدیکی «حسن قلعه»  
داشتند .

یعنی در تمام طول جبهه قوای طرفین تقریباً مساوی بود و بلکه تقسیم بندی  
متشابهی هم داشت و قسمت بیشتر آن در سمت های «صاری قامیش» و «التی» قرار  
گرفته بودند .

نقشه کلی روسها عبارت بود از شکافتن مرکز عثمانیها در سمت «کپری کوی»  
با مساعدت قوای «التی» که بوسیلهٔ تعرض خود نسبت با استحکامات جلگهٔ «ارضروم»  
از سمت شمال حرکت دورانی اجرا میکرد . چون در آن فصل سال اراضی جنوبی  
استحکامات فوق غیر قابل عبور بود لذا روسها از حرکت دورانی آن استحکامات  
از سمت جنوب بوسیلهٔ قوای ایروان چشم پوشیدند .

### جریان عملیات

تعرض روسها در ایام ۹ و ۱۰ ژانویه شروع شد و تا نزدیکی «ارضروم» عملیات  
آنها عبارت بود از مبارزات تاکتیکی برای تصرف گردنه‌ها و اجرای حرکات  
دورانی در کوهستان که گاهی ارتفاعات آن به ۹ هزار پا و شدت سرمای آن  
به ۲۵ درجه میرسید و قوای آنها مجبور به حرکت در کوره راههایی بودند که  
غالباً در اثر کولاک برف آنها را مسدود میساخت ، تمام سنگینی عملیات متوجه  
پیاده نظام شده بود که مجبور به حمل توپها روی بازو بوده و کاملاً جانشین سوار

نظام شده بود. در این حدود اراده دو حریف برای نیل فتح در مبارزه بود و این مبارزه روح و جسم بود که در طی آن فتح نصیب ارتش روس گردید.

این تعرض روسها در سخت ترین فصل سال برای عثمانیها کاملاً غیر منتظر بود لذا در آغاز امر مقاومت آنها ضعیف بود، ولی ضمن پیشرفت تدریجی روسها بسمت «ارضروم» برای عثمانیها قوای امدادی میرسید و دفاع آنها شدیدتر میشد و گاهی بحمله متقابله مبدل میگردد.

تعرض روسها مخصوصاً در سمت «صاری قامیش» پیشرفت بیشتری داشت، زیرا که آن حدود دارای راههای بیشتری بود و روسها توانستند موضع سخت «کبری کوی» را دور بزنند و از راهی که عثمانیها در جنگ ۱۸۷۷ برای حمل توپخانه نهبه و اینک فراموش کرده بودند، ولی ستاد ارتش روس آنرا در نظر گرفته بود، استفاده کنند.

در آغاز امر قوای ساحلی روس نواست بزحمت پیشروی نماید.

قبل از ۲۰ ژانویه جبهه روس فقط در جنوب رود «چرخ» پیشرفت کرده بخط ناواسر (Tavassor) - باش قاعه - حسن قلعه - کوه چابان - سلطانی - ویچکا اوروک در ساحل دریاچه «وان» رسید.

ارتش قفقاز مأموریت نخستین خود را در حقیقت انجام داد. قوای عثمانی را درهم شکست و مرکز آرایش آنها را شکافت. مطابق اطلاعاتی که جاوسها میدادند روحیه عثمانیها در «ارضروم» متزلزل و تصرف قلعه مزبور اشکالی نداشت، از طرف دیگر، اطلاعات واصله حاکی از اعزام قوا از اسلامبول و بغداد برای تمرکز سریع آن در سمت «ارضروم» بود. بدین طریق روسها مترصد بودند که در آئینه نزدیکی حملات قوای معظم عثمانی تحت هدایت افسران آلمانی شروع شود. روسها وضعیت ارتش خود را فقط بوسیله تصرف قلعه «ارضروم»، که از شرق توسط موضع مستحکم «دوینو» (Deveboinou) پوشیده شده بود و بوسیله تصرف «بطلیس» که در سر راه حرکت قوای امدادی عثمانی از موصل واقع شده بود، میتوانستند اصلاح کنند.

ژنرال بودنیچ مصمم میگردد که با اجرای عملیات مشکل فوق مبادرت نماید . هنگامی که روسها نوبخانه سنگینی را ( ۱۶ توپ ) از «صاری قامیش» بطرف «حسن قلعه» حرکت دادند عملیات خود را در جناحین نزدیک به «ارضروم» از طرف «التی» ورود «ارس» توسعه میدهند برای اینکه موضع «دوآینو» ( Deveboïnou ) را احاطه کنند و از سه طرف داخل دره «ارضروم» شوند . قوای روس تا ۱۰ فوریه روز قبل از هجوم خط ذیلر اشغال کرده بود : «تاوا سر» و «اگر» «کی» «بار» «مادراک» «آبنو» «گومو» «سلطانی» .

روز ۱۱ فوریه هجوم پنج روزه روسها از سه طرف بوسیله سپاه ۲ ترکستان و سپاه یکم قفقاز نخست بموضع «دوآینو» ( Deveboïnou ) و سپس به «ارضروم» شروع شد و روز ۱۶ فوریه حملات روسها بفتح آنها خاتمه یافت ، و «ارضروم» سقوط کرد ارتش عثمانی متلاشی گردید و تمام ذخائر آنها بدست روسها افتاد . خط جبهه روس در آن تاریخ بدینقرار بود :

«سوملی» - ( در ساحل دریای سیاه ) - «کیسپورت» - «مومانه» - «ارضروم» - «موش» ( Soumli-Kisporote-Moumané-Erzeroum-Mouch ) و بعد بین «بطلیس» ( که هنوز تسخیر نشده بود ) و ساحل چپ دریاچه «وان» . تلفات روسها در مدت عملیات فوق عبارت بود از ۱۶ هزار مقتول ، مجروح و سرمازده ، و ضمناً روسها ۱۳ هزار اسیر و ۳۲۷ توپ از عثمانیها گرفتند . در موقع تعرض روسها خط سیر آنها در امتداد خط نعلشهای سربازان عثمانی که از سرما خشک شده بودند معلوم میگردد .

### اثرات تعرض روسها و سقوط ارضروم

سقوط «ارضروم» و عملیات تعرضی روسها در زمستان تأثیرات زیادی بخشید ، در شرق بر حیثیت روسها افزود و عثمانیها را مجبور با اعزام قوای امدادی از سایر جبهات خود نمود . بدینواسطه فشار بقوای فرانسه و انگلیس در «سالونیک» کمتر شد و عملیات ترکها در سمت ترعه «سوئز» و مصر عقیم ماند و سپاه هندی انگلیس در بین النهرین دارای آزادی عمل گردید .

## تعاقب

با وجود این روسها نمیتوانستند بهمان موفقیت حاصله قناعت کنند زیرا قوای امدادی نیرومند عثمانی بمنظور تصرف مجدد «ارضروم» و ترمیم وضعیت بطرف «بایورت» (Bayourte) و «ارزنجان» و «دیاربکر» نزدیک میشد.

به ارتش قفقاز امر شد برای تأمین قلعه تسخیر شده عثمانیها را تعاقب نماید و جناح راست را که در کنار دریا عقب مانده بود اصلاح کند، «بطلیس» را تصرف نماید و بین دریاچه های «وان» و «رضائیه» پیش برود.

پس از یک سلسله محاربات که مخصوصاً در کنار دریا دشوار بود (زیرا اراضی آنجا قابل عبور نبوده و روسها برای احاطه عثمانیها مجبور به پیاده کردن قوا از راه دریا بودند روز ۴ مارس در «آتین» و «مارس در» «ماپاور»)، بالاخره در نیمه مارس ارتش روس در خط ذیل قرار گرفت: «سورمنه» - «گنس» - آتش قلعه - کران - موش - بطلیس - خیزان - باش قلعه و بعد تا ۲۰ - ۴۰ کیلومتری مغرب رضائیه و میان دو آب، و در آن خط مجبور بتوقف گردید چون حمل تدارکات و علیق از آن بعد غیر ممکن بود.

اینک عملیات «ارضروم» خاتمه یافت و بعد عملیات «طرابوزان» شروع میشود.

## عملیات در ایران

عملیات در ایران در بخش جداگانه شرح داده شده است.

کوشش روسها برای استقرار عملیات مشترک با قوای انگلیس (نقشه شماره ۲۱)

در موقعیکه عملیات ارضروم و ایران بوقوع میپیوست در سایر نقاط آسیای صغیر

نیز عملیات جنگی در جریان بود.

بطوریکه مسبقاً قوای انگلیس و هندی که نخست با کمال موفقیت از خلیج

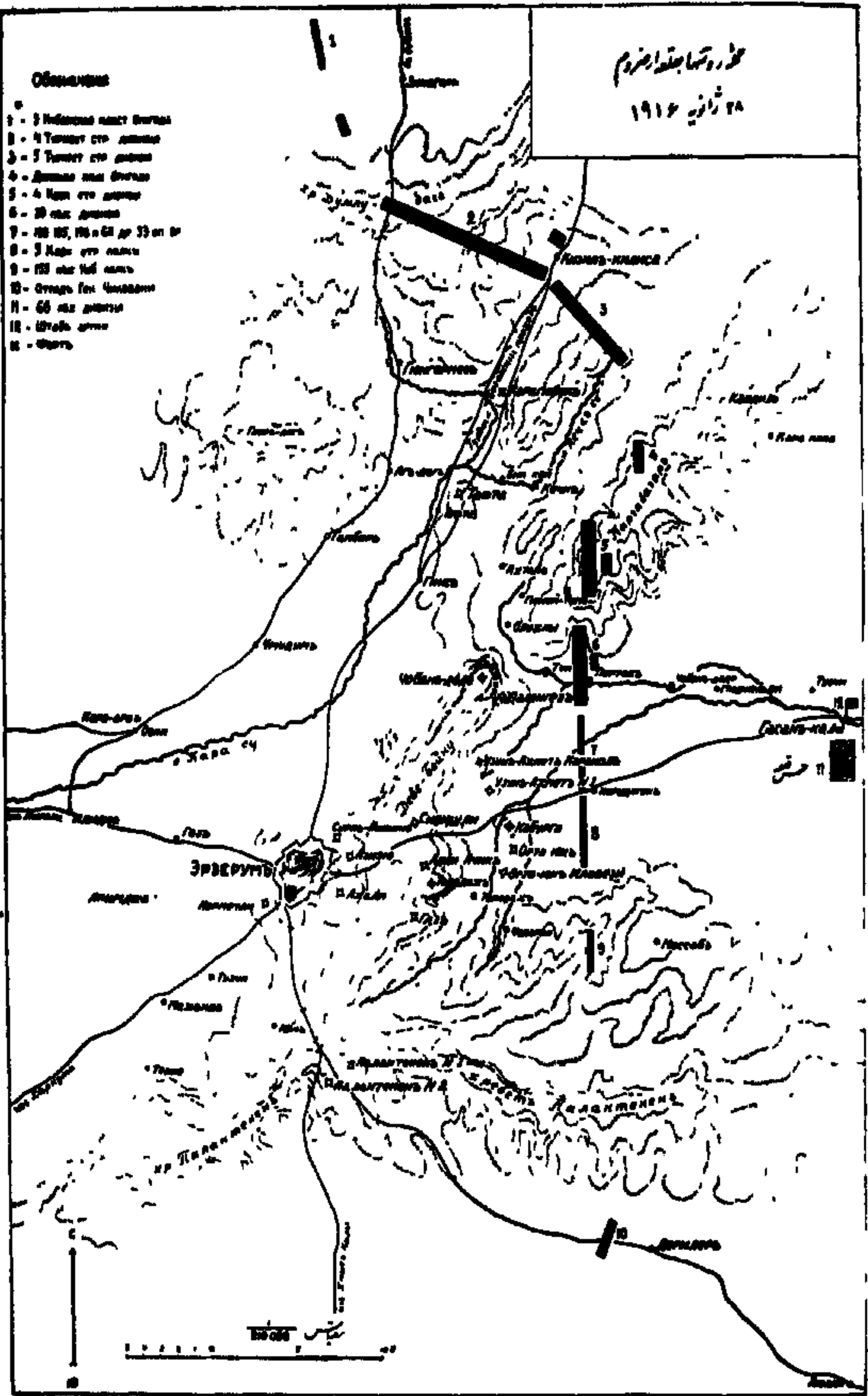
فارس بسمت بغداد پیش میرفت یکقسمت آن در «کوت الصاره» از طرف عثمانیها

محاصره شده و تسلیم گردید. بلاوه، عثمانیها که مرکز نیروی جنگی خود

قادر و سما جتدہ افروز  
۲۸ ژانویه ۱۹۱۶

Обозначения

- 1 - 3 Искрема на ст. Витина
- 2 - 4 Тунел ст. диван
- 3 - 5 Тунел ст. диван
- 4 - Диван на ст. Витина
- 5 - 4 Кап ст. диван
- 6 - 20 ст. диван
- 7 - 10 05, 10 01 до 33 ст. В
- 8 - 3 Кап ст. Витина
- 9 - 10 ст. 101 ст. В
- 10 - Стара Гол Чиван
- 11 - 60 ст. диван
- 12 - Штаб ст. В
- 13 - Штаб



رادرا-اسلامبول قرار داده بودند ، از متلاشی شدن صربها استفاده کرده ( چون از طرف بالکان آسوده خاطر شدند ) کاملاً قادر گردیدند که بوسیله راه آهن بغداد قوای خود را به سوریه ، فلسطین ، مصر و بین النهرین حتی به قفقاز سوق دهند .

روسها نمیتوانستند که هم به انگلیسها در بین النهرین مساعدت کنند و در این حال شمالغرب ایران را هم محفوظ دارند و هم در بهار ۱۹۱۶ در مقابل تمرکز قوای عثمانی که جهت پس گرفتن «ارضروم» حرکت میکرد ، با قوای مختصر و موصلات ناقص ، خود را تأمین نمایند .

پس وضعیت عملیات مشترک متفقین را ایجاب میکرد ، مخصوصاً با تسلطی که انگلیسها در دریا داشتند عملیات آنها در آسیای صغیر بمراتب سهل تر از عملیات ارتش روس بود .

در آغاز ماه فوریه نقل و انتقال قریب ۱ لشکر عثمانی بوسیله راه آهن بغداد بطرف « آده » و « حاب » کشف شد . قوای مزبور را میتوانستند که از این مراکز به سمت که بخواهند سوق دهند . تصرف مراکز مزبور ، برای متفقین خیلی مهم بود و بوسیله پیاده کردن قوا در « اسکندرون » ( Alexandrette ) اشکالی نداشت .

قرارگاه کل روس موضوع فوق را به انگلیسها پیشنهاد نمود و نوبتیه کرد که ۸ لشکر بان نقاط اعزام دارند و خاطر نشان کرد که با اجرای عملیات فوق ، صورتی « سوئز » بهتر تأمین خواهند شد .

ولی انگلیسها بکافی این پیشنهاد را رد کردند چون نمیتوانستند از قوای خود در مصر که ۸ لشکر بود بکاهند و همچنین معتقد بودند که قوای عمده خود را بایستی در اروپا برضد آلمان بکار برند .

بدین طریق ، تلاش جدید روسها برای ایجاد نثریک مساعی در آسیا کامیابی حاصل نکرد و ارتش روس کماکان بطور جداگانه در ارمنستان مشغول عملیات



وانگلیسها هم در بین النهرین دچار طغی بجران بودند بدون اینکه روسها بتوانند کمکی بآنها برسانند. فقط بین فرماندهان روس و انگلیس در ایران و بین النهرین ارتباطی سیم برقرار گردید.

### عملیات ناوگان روس در دریای سیاه

روسها بموجب دستور ۲۸ دسامبر ۱۹۱۵ مأموریت عمده ناوگان خود را در دریای سیاه معانفت از حمل ذغال برای عثمانی و قطع مواصلات آندولت با ارتش آناتولی قرار دادند که ضمناً عملیات بر ضد ناحیه معادن ذغال را بیزادامه دهند. بدین طریق، مأموریت اصلی ناوگان روس محاصره ناحیه معادن ذغال بود و مأموریت فرعی آن عبارت بود از عملیات در خط مواصلات ارتش آناتولی و مواصلات آلمان-بوسفور-آناتولی، و عملیات بر ضد تکیه گاههای زیر دریائی دشمن در «وارن» بوزگارش و اسلامبول.

گرچه ناوگان روس از حیث تعداد ناو نسبت بدشمن تفوق زیاد داشت ولی بواسطه نقصان تعداد از در افکن جهت تأمین در مقابل زیر دریائی ها و بداشتن رزم ناوهای تندرو و وجود مسافت زیاد بین هدفها اهمیت تفوق ناوگان روس از بین میرفت لذا ناوگان روس قادر بود که فقط يك قسمت عملیات را با کمال خوبی انجام دهد و مأموریتهای فرعی را در فواصل بین عملیات اصلی اجرا کند.

هنگام تعرض زمستانی ارتش روس بطرف «ارضروم» ارتش مزبور احتیاج زیادی به پشتیبانی ناوگان دریای سیاه حاصل کرد که ناوگان مزبور به فقط بمنظور قطع مواصلات عثمانیها در طول ساحل آناتولی بکار میرفت بلکه قوای هم در پشت سر «ارضروم» پیاده میکرد که بهترین نقطه آن «طرابوزان» بود.

ناوگان روس مأموریت تصرف «طرابوزان» را از سمت دریا قابل اجرا میداشت، ولی بوسیله پیاده کردن قوای بالغ بر دو سپاه. اما قرارگاه کل روس برداشت چنین قوای را از جهت اروپا مقتضی ندانست.

بدین طریق، پیاده کردن قوا بوسیله کشتی مسکوت ماند، و تسخیر «ارضروم» تنها بوسیله قوای زمینی انجام گرفت، و مقارن بهار وضعیت ایجاب میکرد که ارتش

تفقاژ برای تأمین موقعیت خود «طرابوزان» را تصرف کنند لذا روسها شروع بانجام آن مقصود نمودند .

### عملیات طرابوزان (قشۀ شماره ۲۲)

هنگام نزدیک شدن فصل بهار دو موضوع ذیل فرماندهی روس را در تفقاژ نگران میداشت :

اولاً - موضوع ندادن کات ارتش بود ، چه ارتش مزبور ، بواسطۀ پیشروی زیاد ، از مبدأ خود خیلی دور شده و در نقاطی واقع شده بود که چیزی یافت نمیشد و ارتباط با آن هم بسیار مشکل بود ، لذا فرماندهی ارتش مجبور بمقرب بردن یکقسمت از آن قوا میگردد .

ثانیاً - اعزام قوای امدادی معظم عثمانی به آناتولی بود که از قرار اطلاع به ۸ سپاه بالغ میشد .

برای تسهیل رساندن تدارکات بوسیله حمل یکقسمت آن از راه دریا و برای اشغال مبدأ حرکت مساعد تری جهت دفع تعرض احتمالی عثمانیها ، تسریع در تصرف «طرابوزان» را ایجاب میکرد . مأموریت مزبور بقوای «کناردریا» محول شد که با دو نیپ ( بلاستون ) تقویت میگردد . نیپهای مزبور را قرارگاه کل به نووراسیسک (Novorossiisk) اعزام داشت که از آنجا بوسیله کشتی به ریزا (Riza) حمل شوند .

روز ۲۶ مارس قوای روس «کناردریا» اقدام به تعرض نمود و بطرف رود «قارا دره» پیشرفت و در آنجا با مقاومت شدید عثمانیها مواجه گشت . و تا ۱۴ آوریل در آنجا معطل شد و پیاده شدن نیپ های ( بلاستون ) را در «ریزا» تأمین میکرد . نیپ های مزبور ، با کمال آرامش تحت پوشش ناوگان روس بساحل پیاده شدند .

روز ۱۴ آوریل قوای روس دشمن را از مواضع ساحل چپ رود «قارا دره» عقب راند و روز ۱۹ آوریل «طرابوزان» را با کمک ناوگان تصرف کرد . سپس

«قوای کنار دریا» برای تأمین «طرابوزان» جلوگیری، و «طرابوزان» را که انتقال مرکز نقل ندارکات ارتش قفقاز را بدریا میسر می ساخت به حالت تدافعی در آوردند.

در وضعیت بقیه جبهه، که فرار بود بوسیله عملیات جدی خود «قوای ساحل دریا» را پشتیبانی کند، در پایان عملیات تفسیری حاصل نگردید به استثنای قسمت جنوبی «بعلبیس» که قوای روس پس از تصرف «خخیر» و «رواندوز» زیاد پیشرفته بودند.

### عملیات در سمت بغداد

پس از امتناع انگلیسها از توقف دادن عملیات خود در بین النهرین با عملیات روسها سمت بغداد برای روسها اهمیت خود را از دست داد و تمام منافع آنها در سمت «ارزجان» و ناحیه در سمت «بعلبیس» تمرکز یافت.

راجع بمساعدنی که انگلیسها در موقع پیش آمد «کوت العماره» از قوای بارائف در ایران خواستند در بحث مخصوص بعملیات در ایران شرح داده شده است.

سپاه بارائف برای استقرار ارتباط با قوای انگلیس در بین النهرین یک اسواران از طریق پشت کوه اعزام داشت که روز ۲۲ مه بقرارگاه قوای انگلیس در بین النهرین وارد شد.

### تمرکز تقریبی نیروی عثمانی (نقشه شماره ۲۱)

مقارن ماه ۱۹۱۶ ۱۹۱۶ نیروی جنگی عثمانی تقریباً بضریق ذیل استقرار یافته بود:

ارتش یکم: در نزدیکی اسلامبول (قسمت بیشتر آن در ساحل آسیائی)

ارتش دوم: در طرفین «داردابل» - ارتش سوم: در جبهه روس - ارتش ۴: در سوریه

و فلسطین - ارتش ۵: در ناحیه از میرب - ارتش ۶: در ناحیه بغداد - ارتش مخصوص: در

مغرب «دیاربکر» و لشکر برای دفاع عربستان.

### نتیجه عملیات مرحله بهار

در این مرحله مبارزه «وردن» جریان داشت و نتایج آنهم معلوم نگردید.

فرانسویها ضربت آلمانها را دفع کردند و بعداً برای آلمانها تحصیل موفقیت استراتژیکی مشکل بود. بهترین طرز خانمه آن قطع حملات از طرف آلمانها بود ولی چون جنبه عزت نفس ملی بخود گرفته بود چندماه بطول انجامید.

متفقین در جبهه فرانسه و انگلیس قوای مجتمع نموده بودند که وسیله آن میتوانند جواب حمله آلمانها را به «وردن» باحمله متقابل در سمت دیگر بدهند، ولی اقدامی نکردند و علت اصلی آن بواسطه فقدان وحدت فرماندهی بود.

تعرض ایطالیائیها، مخصوصاً تعرض روسها برای فرانسویها کاملاً بموقع بود چون حملات آلمانها را برای ۸ روز متوقف ساخت. ولی این کمک که مدت آن کوتاه بود بطوریکه موارد سابق هم نشان میدهد، در عملیات عصر حاضر تأثیر مهمی نمی بخشد.

تعرض روسها که توسعه پیدا کرد با فصل سال تحبیب نمیکرد، بهین ملاحظه وبملاحظه طرز بد اجرای آن موقوف گردید در صورتیکه قوای احتیاط متمرکز هنوز مورد استفاده قرار نگرفته بود.

موفقیت مهمی که نصیب ارتش روس در قفقاز شد با قوای مزبور تطبیق نمیکرد لذا روسها مجبور بودند با کمال احتیاط آنها توسعه دهند.

متفقین از این فتح روسها استفاده نکردند تا عملیات خود را مشترکاً از سمت قفقاز، بین النهرین و «اسکندرون» بسط دهند و عثمانیها را از پا آورند.

تمایل فرماندهی روس برای استقرار ارتباط نزدیک با اسکایسها جهت اجرای عملیات مشترک در ایران و بین النهرین از طرف اسکایسها مورد توجه قرار گرفت.

## پنجمین پانزدهم

### عملیات جنگی در سال ۱۹۱۶

#### ( مرحله دوم )

صحنه ایتالیا ( ترانتن ) - صحنه روس : نقشه‌ها و  
اوضاع طرفین ؛ تعرض تابستانی روسها ( تعرض  
بروسلوف ) ، عملیات در ناحیه کاریات - صحنه غرب :  
تعرض قوای فرانس و انگلیس در « سم » - تعرض  
ایتالیا ( تصرف کوربتسیا ) - ورود رومانی در  
جنگ - صحنه بالکان - صحنه آسیای : جبهه قفقاز  
ناحیه ایران ، بین النهرین ، شامات و سوئز - جنگ  
دریائی : نبرد زوتلاند ( با اسکاگراک ) - نتیجه .

#### صحنه ایتالیا - ترانتن ( Le Trentin ) ( نقشه شماره ۴۰ )

در اواخر ماه مه ، که فشار آلمان در « ووردن » موجب نگرانی بود ، جبهه مشترک  
متفقین در معرض ضربت جدیدی واقع شده بود .  
اطریش نیز ، که مانند آلمان ، از نگرانی جبهه شرق ( روسیه ) ایمن شده  
بود ، در صدد بود قوای عمده خود را از جبهه شرق به جبهه غرب انتقال دهد و بر  
ضد ایتالیا بکاربرد . بمناسبت اختلاف جبهه‌های حمله ، مسئله مقارن بودن عملیات  
« از لحاظ مقتضیات زمان » تأمین شده بود : زیرا در ایتالیا صحنه عملیات کوهستانی  
بوده و تا موقع آب شدن برفها هر گونه حرکات نظامی را ممتنع میکرد . تاریخ  
تعرض ، که در فرانسه با ماه فوریه مصادف میشد ، در « ترانتن » ( Le Trentin ) میبایستی  
بماه مه محول گردد .